



۲۰۱۸/۰۴/۱۰



رسول پویان

بوی خوش عشق؛ نه جنگ

آری!!!
از جنگ،
خون ریزی،
شرارت -
و کشتار،
می گویند؛
دل های معصوم و پرمهر
کودکان،
مادران،
پدران -
و دوستان را،
در چوک های شهر،
به دار می کشند؛
آه!!!
که سنگدلان حاکم،
غرق در دریای دالر،
کلدار و ریال،
با موترهای آخرین -
مدل خود،
چه خونسر دانه و

سنگدلانه از کنار،
آن قلب های آویزان و خونچکان،
می گذرند -

و باز بی شرمانه،
شعار صلح کاذب و
دفاع از طالب،
سر می دهند؛

خون دستان قاتلان را،
با آستین ابریشمین،
دالرهای باد آورده -
و ریال های آلوده،
پاک می کنند.

بگذار!؟

شرارت پیشگان،
شمشیرهای عریانِ خشونت -

و ستمگری خود را،
با خون لاله های آزاد و
شقایق های زیبای میهن،
بیالایند؛

اما!!

من،

از بوی خوش عشق،

می گویم؛

نه جنگ؛

با شما تقسیم می کنم،

آنچه دارم،

از عشق و مستی -

و همیشه،



سرود طربناک عشق -

و آزادی،

عطر محبت،

تبسم نگاه وصل،

صفای دل،

و رویای جهانی بی کینه و-

مملو از عدالت و مساوات را،

با نی لبیک احساس و عاطفه،

می نوازم.

با متانت صبورانه،

می گذرم،

از هفت خوان کوه قاف انتظار،

تا به سرچشمه نور.

در آن افق های بیکران،

دیگر،

بقای سرمدی -

و آرامش ابدی را،

در وحدت کامل دل های پاک -

و مشتاق،

با جانانم،

خواهم داشت؛

چه در حیات انسانی،

با امید و شادی-

و چه در جاودانگی هستی،

که این است،

اوج تکامل زندگی انسان.

